

## همراه با کاروان حسینی

کاروان حسینی، شب را در منزلگاه شراف به سر بردند بامداد، امام (ع) دستور داد ظرفها و مشکها را پر از آب کرده به راه خود ادامه دهند.



کاروان حسینی، شب را در منزلگاه شراف به سر بردند بامداد، امام (ع) دستور داد ظرفها و مشکها را پر از آب کرده به راه خود ادامه دهند.

هنگام ظهر یکی از همراهان تکبیر گفت امام (ع) علت تکبیر را پرسید، او گفت: «نخلستانهای کوفه دیده می‌شود» کسانی که به راه آشنا بودند، گفتند «اینجا کجا و کوفه کجا؟» با دقت به راه نگاه کردند، دریافتند که لکشر مجهزی غرق در اسلحه، پیش می‌آید امام (ع) فرمود: "آری، سپاه مجهزی پیش می‌آید."

در این هنگام با اصحاب به مشورت پرداختند که در برابر سپاه دشمن، کجا سنگر بگیرند آنها گفتند در همین نزدیکی، از ناحیه چپ، مکان مناسبی است.

کاروان آنجا رفته، خیمه‌ها را برپا کرده و آماده دفاع شدند طولی نکشید که سپاه هزار نفری به فرماندهی حر بن یزید ریاحی، به آنجا رسید، اما معلوم بود که در حال حاضر قصد جنگ ندارند امام (ع) آثار تشنگی و رنج فراوان را در چهره‌های سپاه حر مشاهده نمود، و به یاران فرمود از آبی که همراه دارند، آنها و حیواناتشان را سیراب کنند به دستور آن حضرت تا آخرین نفر آنها را آب دادند.

علی بن طعان محاربی می‌گوید «من آن روز در لکشر حر بودم و آخرین نفری بودم که دنبال لشکر به آنجا رسیدم چون حسین (ع) تشنگی من و اسبم را دید، فرمود "شتر را بخوابان" من شتر را خواباندم، فرمود "از آب بیاشام" آشامیدم و اسبم را نیز سیراب کردم".